



فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

صص ۱۳۰ - ۱۰۱

مؤلفه‌های امکانی - امتناعی و کنش‌های انطباقی در روندهای آینده افراط‌گرایی سلفی در جهان اسلام

دکتر عبدالله مرادی* - استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران.
نصرت‌الله کلانتری - رئیس پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

چکیده

افراط‌گرایی سلفی از جمله مهم‌ترین پویایی‌های جهان اسلام بوده است که متأثر از مؤلفه‌های هویت بنیاد درونی و هم‌چنین فشار ساختاری بیرونی، نضج پیدا کرده است. به‌گونه‌ای که تروریسم سلفی به اصلی‌ترین عامل آشوب منطقه‌ای و تهدید امنیت بین‌المللی تبدیل شده است. اما در کنار تبیین چرایی، چگونگی شکل‌گیری تروریسم سلفی، آنچه ضرورت دارد آینده تداوم و تغییر در وضعیت جریان سلفی در گستره جهان اسلام است. بر این اساس پرسش اصلی این پژوهش آن است که: «مؤلفه‌های پیش‌برنده مؤثر بر روند آتی افراط‌گرایی سلفی در جهان اسلام کدامند؟» در پاسخ به این پرسش با توجه به چارچوب نظری سازه‌نگاری، می‌توان فرضیه اصلی پژوهش را این‌گونه ارائه نمود که «قوام متقابل ساختار نظام بین‌الملل و افراط‌گرایی سلفی با تشدید خشونت‌های دوجانبه نقطه محوری در روند چهار دهه افراط‌گرایی سلفی در جهان اسلام بوده است و بر همین اساس می‌توان مؤلفه‌های امکانی متعددی را در سه سطح داخلی (نظیر استبداد سیاسی، دغدغه‌های هویتی)، منطقه‌ای (نظیر وجود دولت‌های فرقه‌گرا، رقابت هویتی، عدم موازنه قدرت، خلأهای امنیتی و ...) و بین‌المللی (ساختار هژمونیک، فشارهای یکسان‌سازی فرهنگی، ایجاد امت مجازی و ...) برای روند تداوم افراط‌گرایی در چشم‌انداز آتی مدنظر داشت. البته افراط‌گرایی سلفی با مؤلفه‌هایی چون تغییر در جغرافیای عملیات، تحول کنش تروریستی، باز تعریف دعوت سلفی و ... به انطباق‌پذیری با تحولات نوین دست خواهد زد.»

کلید واژگان: افراط‌گرایی، روند پژوهی، تروریسم، هنجار سلفی، نظام بین‌الملل.

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

شکل‌گیری جریان سلفی افراطی در یک بستر تاریخی نشان می‌دهد این جریان به لحاظ فکری ریشه در فقه حنبلی، حدیث‌گرایی و اندیشه‌های ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب و ... داشته و در قالب فهم دینی سلف و باورهایی نظیر بدعت و جاهلیت، قواعد و هنجارهای رفتاری خاصی مبتنی بر تکفیر و جهاد تولید می‌کند. با این حال بحث درباره ریشه‌های هنجاری و آموزه‌های افراط‌گرایی در جهان اسلام، نمی‌تواند گویای دلایل شکل‌گیری و گسترش آن باشد. چه اینکه کنش افراط‌گرایان معاصر نشان می‌دهد؛ سازه‌های بیرونی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تأثیرات مهمی بر فهم، هویت‌یابی و نقش‌یابی آنان داشته است. بر این اساس بایستی تروریسم سلفی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پویایی‌های جهان اسلام و به مثابه یک بحران امنیتی بین‌المللی در طول چند دهه را در یک چارچوب ترکیبی شامل هویت بنیاد-فرهنگ پایه درونی و فشارهای ساختاری بیرونی ادراک نمود. این فرآیند ترکیبی مبتنی بر ساخت‌یابی در یک بستر تاریخی منجر به ظهور گروه‌ها و نسل‌های متعدد افراط‌گرایی تروریستی گردیده است. اینک با پایان گرفتن داعش در عراق و سوریه به‌واسطه ایستادگی جبهه مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران، مسئله مهمی که مطرح می‌شود آینده سلفی‌گری افراطی در جهان اسلام است. چرا که بررسی نظم حاکم بر روند تحول افراط‌گرایی در جهان اسلام و امکان‌های آتی افراط، ضمن اینکه بستری مناسبی برای ارتقا فهم علمی از پویایی‌های جهان اسلام و مناسبات در سطح ساختار بین‌الملل است، واجد ابعاد راهبردی در جهت امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز خواهد بود. چه اینکه از یکسو تحولات ساختاری در سطح بین‌الملل در حوزه تروریسم برای جمهوری اسلامی به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام واجد اهمیت است و از سوی دیگر تهدید تروریسم تکفیری هم‌چنان تهدیدی برای آینده جهان اسلام به‌شمار می‌رود. بنابراین آنچه ضرورت دارد، بررسی نظم حاکم بر روند تحولات سلفی افراطی است که بتوان از این طریق، مؤلفه‌های مؤثر بر روندهای آتی افراط‌گرایی سلفی و شیوه نوین کنش آنان را مشخص ساخت.

۱-۲. پیشینه پژوهش

درباره موضوع افراط‌گرایی سلفی پژوهش‌های متعددی وجود دارد که البته این کثرت بیش از هر چیز مستلزم ارائه تقسیم‌بندی مناسبی از آنان می‌باشد. لذا با بررسی حجم گسترده‌ای از منابع مرجع و پژوهش‌های دانشگاهی می‌توان جدول زیر را با برخی از منابع مورد اشاره قرار داد.

نمونه‌های پژوهش	انواع منابع
<p>فوزی، یحیی(۱۳۹۲)، جریان شناسی فکری جنبش بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی.</p> <p>محقر، احمد و محمد خطیبی قوژدی(۱۳۹۱)، بررسی رابطه مدرنیته و بنیادگرایی اسلامی بر اساس مفهوم نوستالژی، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام.</p> <p>بخشی شیخ احمد، مهدی(۱۳۸۵)، بررسی عوامل اندیشه‌ای و عینی شکل‌گیری القاعده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.</p> <p>Rollins, John (2011). Al Qaeda and Affiliates: Historical Perspective, Global Presence, and Implications for U.S. Policy, Congressional Research Service.</p> <p>Malka, Haim; William Lawrence (2015). Jihadi-Salafism's Next Generation, CSIS Middle East Program.</p>	<p>به شکل تبیینی-تحلیلی، به تحول فکری و ریشه‌های شکل‌گیری افراط‌گرایی می‌پردازند.</p>
<p>Braniff, Bill; Assaf Moghadam (2011). Towards Global Jihadism: Al-Qaeda's Strategic, Ideological and Structural Adaptations since 9/11, Perspectives on Terrorism.</p> <p>Enhancing the ,Hamed el-Said and Richard Barrett (2017). Understanding of the Foreign Terrorist Fighters Phenomenon in Syria consultants, UN Counter-Terrorism Centre.</p>	<p>به شکل مشخص بر عوامل و تأثیرات بین‌المللی افراط‌گرایی تمرکز دارند.</p>

<p>مظلومی، حامد(۱۳۹۰)، جهانی شدن و جهادگرایی نوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.</p> <p>رهبر، عباسعلی؛ اسلامی، روح‌الله؛ ذوالفقاریان فاطمه(۱۳۹۰). راهبردهای امنیتی غرب در برخورد با بیداری جهان اسلام، فصلنامه آفاق امنیت.</p> <p>سلطانی، محمدجواد؛ وثوقی، سعید؛ ابراهیمی، شهروز(۱۳۹۶). رویکردهای نظری به جنگ‌های جدید: مطالعه موردی داعش، جستارهای سیاسی معاصر.</p>	
<p>توانا، محمدعلی؛ روشن، امیر؛ بیگلری، منیژه(۱۳۹۰). آینده اسلام سیاسی در عصر جهانی شدن: دیدگاه‌های مختلف، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل.</p> <p>خانی، حسین(۱۳۹۷). سلفی‌گری و روند پژوهی الگوی تهدیدهای امنیت منطقه‌ای ایران، فصلنامه سیاست.</p> <p>عبدلی، محمدمیر؛ خراسانی، رضا(۱۳۹۸). روند پژوهی جریان‌های سلفی-تکفیری در دوره پساداعش، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام.</p> <p>اخوان کاظمی، مسعود؛ صادقی، شمس‌الدین؛ نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۷). آینده پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آنها بر منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا، پژوهش‌های راهبردی سیاست.</p>	<p>روندهای کلان و بررسی آینده پژوهی افراط‌گرایی را دنبال می‌کنند.</p>

بررسی پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد، موضوع بررسی ریشه‌های شکل‌گیری افراط‌گرایی با توجه به مبانی نظری-هویت، تحولات سیاسی، منطقه‌ای و ... مورد پردازش قرار گرفته است. اما در زمینه تحلیل‌های چندمتغیره در سطوح مختلف کاستی‌هایی وجود دارد. مطالعات مرتبط با آینده پژوهی افراط که در ستون انتهای مورد اشاره قرار گرفته است، عمدتاً در حوزه آینده پژوهی هنجاری و ارائه آینده‌های مطلوب و ممکن برای بازیگران موثر است. بر همین اساس به نظر می‌رسد پژوهش حاضر با چارچوب نظری سازه‌انگاری امکان بررسی متغیرهای بیشتری در سطوح تحلیل سه‌گانه(داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) با ماهیت هنجاری و نیز مادی را داشته و با بهره‌گیری از روندپژوهی می‌تواند مهم‌ترین پیشران‌های آتی جریان سلفی افراطی در قالب مؤلفه‌های امکانی، امتناعی و تطبیقی را استخراج نماید.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

بر این اساس پرسش اصلی این پژوهش بدین شکل مطرح می‌شود که «مؤلفه‌های پیش‌برنده مؤثر بر روند آتی افراط‌گرایی سلفی در جهان اسلام کدامند؟» جهت پاسخ به این پرسش از چارچوب نظری ساختار-کارگزار استفاده می‌شود، چه اینکه نگرش مبتنی بر سازه‌نگاری این فرصت را فراهم می‌سازد تا ضمن درک عناصر هویت بخش درونی، تحول ادراکی جریان سلفی افراطی متأثر از فشارهای ساختاری مورد توجه قرار گیرد. هم‌چنین به جهت پاسخ به پرسش اصلی، تعدادی پرسش فرعی طراحی شده است که ساماندهی پژوهش بر اساس این سؤالات صورت گرفته است. در گام نخست با طرح این پرسش که «هویت‌یابی افراط‌گرایی سلفی در جهان اسلام چگونه صورت گرفته است؟» تلاش می‌گردد تا چارچوب مفهومی پژوهش تبیین شود. پس از تبیین نظم حاکم بر روندهای پیشین، پرسش بعدی به این موضوع می‌پردازد که «مؤلفه‌های امکانی و امتناعی جهت فعالیت آتی سلفی افراطی‌ها در سطوح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی کدامند؟» در پاسخ به این تلاش می‌گردد بر مبنای الگوی مفهومی پیشین و تغییرات جدید در سطوح سه‌گانه یادشده، مؤلفه‌های مؤثر بر آینده سلفی افراطی را مورد بحث قرار گیرد. پرسش آخر نیز جهت تبیین رویکردهای جدید گروه‌های سلفی در مواجهه با مؤلفه‌های امتناعی و امکانی پیش‌گفته، این است که «کنش‌های محتمل سلفی افراطی در جهت انطباق‌پذیری با تحولات نوین چگونه خواهد بود؟»

۲. روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش حاضر از نوع تحقیق توصیفی-تبیینی و از نظر هدف توسعه‌ای-کاربردی خواهد بود، چرا که تشریح وضعیت کنونی جریان سلفی-افراطی مورد پژوهش مستلزم رویکردی توصیفی است و نیز به منظور تحلیل ثانویه تحولات پیشین و استخراج روندهای اصلی از رویکردی تبیینی استفاده خواهد شد. در روند پژوهی کوشش می‌شود تا، مؤلفه‌های اصلی پیش‌برنده تحولات آتی در سه سطح تحلیل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه شود. روش جمع‌آوری داده‌ها نیز اسنادی و کتابخانه‌ای خواهد بود.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. سازه‌انگاری

«سازه‌انگاری»^۱، چارچوبی تحلیلی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی معرفت و مباحث فرانظری در کل علوم اجتماعی مطرح بوده که در آن برساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌شود (Linklater, 2007:21). در واقع همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل گرفته و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که کم‌وبیش به واقعیت جهان شکل می‌دهد (Hadian, 2003). لذا برای تفسیری جامع از عرصه بین‌الملل باید به انگاره‌ها، قواعد، هنجارها (ساختارهای معرفتی) در کنار ساختارهای مادی توجه شود (Lupovici, 2009:18) سازه‌انگاری در تبیین نظری خود، ساختار و کارگزار در کنار هم و توأمان در نظر می‌گیرد، لذا یک روند برساخته شدن متقابل را توصیف می‌کند که ساختار و کارگزار به شکل متقابل همدیگر را قوام می‌بخشند (Wiener, 2003:245). این همان موضوع «ساخت‌یابی»^۲ و قوام متقابل ساختار و کارگزار است. در این پژوهش تلاش می‌شود، جریان سلفی افراطی که مهم‌ترین بازیگر تروریستی در عرصه بین‌المللی هستند (کارگزار)، را در برهم‌کنش با نظام بین‌الملل به مثابه ساختار مورد مطالعه قرار داد.

۳-۲. کارگزار سلفی افراطی

سلفی-افراطی نوعی سازه معنایی و برساخته اجتماعی محسوب می‌شود که در سه سطح مبانی اندیشه، باورها و رفتارها قابل مطالعه است. مبانی اندیشه و تعلقات ایدئولوژیک، مؤثرترین منشأ سلفی‌گری است که ریشه در تفسیر «حنبلی-قطبی» از اسلام دارد (Bakhshi Sheikh Ahmad, 2006:193) که به دنبال بازگشت به اعتقادات و شیوه عمل سه نسل اول مسلمانان با تأکید بر مفهوم ویژه توحید هستند (Haykel, 2009:38) این معنایی عام از سلفی‌گری است که درون خود واجد گوناگونی‌های زیادی در رویکردهای تبلیغی، تکفیری و جهادی دارند. هم‌چنین به لحاظ تاریخی و جغرافیایی سلفی‌گری در سنت‌های متفاوتی نظیر دیوبندی شبه

1. Constructivism

2. Structuration

قاره، وهابیت عربستان و اخوان مصری ریشه دارد. نکته مهم این است که سلفی‌گری با استفاده تفسیر ظاهرگرایانه از وحی و سنت پیامبر اسلام (ص) با نادیده گرفتن بسیاری از اصول اخلاقی، نفی دانش کلام و فلسفه اسلامی و بسندگی به فهم سلفی، مستعد ستیزه‌جویی و خشونت است. لذا آنچه در این پژوهش سلفی-افراطی نامیده می‌شود، در یک معنای سلبی از مفهوم سلفی‌گری و صرفاً بخشی از این جریان هستند.

چارچوب هنجاری درونی این گفتمان مبتنی بر معانی توحید، فهم دینی سلف و ... باورهایی نظیر بدعت، جاهلیت و ... قواعد رفتاری مبتنی بر تکفیر و جهاد تعریف می‌شود و بر این اساس، آنان مبارزه برای کسب قدرت را از طریق کاربرد خشونت و حربه تکفیر پی گرفته تا خلافت اسلامی را احیا نمایند. اما علی‌رغم ثبات عناصر هنجاری درونی، تحولات عینی بیرونی باعث شکل‌گیری سه نوع کنشگری متفاوت در قالب سه نسل سلفی افراطی از القاعده تا داعش شده است. «ابومصعب سوری» از چهره‌های فکری نزدیک به «اسامه بن لادن»، این جریان را به عنوان آمیخته‌ای از: «فقه سیاسی ابن تیمیه، دعوت محمد بن عبدالوهاب، اندیشه سیاسی سیدقطب و نهایتاً اصول اخوان المسلمین»، معرفی می‌کند (السوری، ۱۴۲۵: ۶۹۸). چنانچه اشاره شد کارگزار سلفی افراطی را بر اساس هدف‌گذاری و نیز سیر تحول کنش‌گری آنان می‌توان در قالب سه نسل مورد مطالعه قرار داد. نسل اول شامل مبارزان «عرب-افغان» و سازمان جهانی «القاعده» با محوریت «اسامه بن لادن» و «ایمن الظواهری» با رویکرد جهاد تضامنی ضد آمریکایی، نسل دوم شامل امارت‌های اسلامی متأثر از القاعده در مناطق جغرافیایی مختلف با چهره‌هایی مانند: «ابومصعب الزرقاوی»، «ابومحمد الجولانی» و ... که تکفیر و جهاد مکانی علیه دشمنان نزدیک در جهان اسلام را دنبال می‌کردند. نسل سوم شامل داعش با محوریت «ابوبکر البغدادی» که اساساً تأسیس خلافت اسلامی را هدف‌گذاری کرده و لذا جهاد فتح را در دستور کار قرار داده بود.

۳-۳ ساختار نظام بین‌الملل

نظام بین‌الملل به‌مثابه یک ساختار، عبارت است از: «مجموعه‌ای از بازیگران (دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها، گروه‌ها و ...) که در تعامل با یکدیگر هستند، کلیتی منسجم را تشکیل می‌دهند و وجود نوعی سامان (نظم) در آن آشکار می‌باشد». مهم‌ترین ابعاد نظام

بین‌الملل معاصر را می‌توان در سه شاخصه ویژگی‌های قطبی-مادی نظام، ساختار معنایی-هنجاری و ساختار نهادی جستجو نمود. در ساختار قطبی-مادی علی‌رغم تمامی اختلافات نظر موجود درباره تبیین ماهیت نظام بین‌المللی (Jamshidi, 2007:787)، اما در این مسئله اتفاق نظر وجود دارد که؛ از ویژگی‌های اصلی نظم پساجنگ سرد؛ تمایل و تلاش ایالات متحده آمریکا به مداخله در راستای ایجاد نظم «هژمونیک» در نظام بین‌الملل مربوط می‌شود (Brooks and Wohlforth, 2001:34). بر این اساس مجموعه اقدامات آمریکا در جنگ اول خلیج فارس در ژانویه ۱۹۹۱م تا اشغال نظامی افغانستان و عراق در سال ۲۰۰۳م و پس از آن را می‌توان نشانه‌هایی از تلاش سازمان‌یافته آمریکا برای هژمونی در سیاست بین‌الملل دانست (Mottaghi, 2013:167)، که البته واجد اعمال خشونت شدید علیه جهان اسلام بوده است. دیگر مشخصه معرفی‌کننده ترتیبات امنیتی معاصر، ساختار معنایی-هنجاری نظام بین‌الملل است که مؤلفه «لیبرال دموکراسی» اصلی‌ترین شاخصه و معرف خصلت شمول و فراگیری آن است (Mirahmadi, 2010:245). این ساختار هنجاری مبتنی بر شاخصه مفهومی لیبرال دموکراسی و هم‌چنین الگوی جهانی شدن فرهنگی (در قالب یکسان‌سازی) منشأ خشونت علیه جهان اسلام به شمار می‌رود. که نتیجه آن؛ برساختن گفتمان اسلام‌هراسی، مبارزه با تروریسم و تبدیل جهان اسلام به یک دستور سیاسی امنیتی در نظام بین‌الملل و ایجاد یک ساختار تبعیض‌آمیز علیه اسلام است. ساختار نهادی نیز دیگر بعد نظام بین‌المللی است که به بازیگران اصلی تشکیل‌دهنده آن و ویژگی‌هایی چون افزایش چندجانبه‌گرایی، کاهش اقتدار نهاد دولت، نهادهای غیردولتی و جنبش‌های اجتماعی اشاره دارد (Griffiths, 2009:966).

۳-۴. روند پژوهی

تأکیدات سازه‌انگاری بر قوام متقابل کارگزار/ساختار فرصت لازم برای درک حداکثری متغیرها در سطوح گوناگون تحلیل را فراهم می‌آورد، اما این پژوهش تلاش می‌کند تا از ظرفیت‌های دانشی آینده‌پژوهی نیز استفاده نماید.

آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه می‌پردازد. بر این اساس روند پژوهی یکی از ابزارهای آینده‌پژوهی به شمار می‌رود، چه اینکه به این مسئله می‌پردازد که آینده با توجه به

روندهای فعلی از چه الگویی تبعیت می‌کند؟ (Kasaei and Talaei, 2014: 130). در واقع در این رویکرد عمدتاً بر تحلیل روندهای گذشته و ادامه آنان در سال‌های آتی تمرکز می‌شود. تعریف روند در آینده‌پژوهی عبارت است از: الگویی ذهنی از روابط بین رویدادها که جهت‌گیری آینده را نشان می‌دهد. بر این اساس روندپژوهی بدین شکل خواهد بود که داده‌های خام و یا پردازش شده را دریافت و با استنباط از روابط میان آنها، نظم و معنا و جهت به آنان می‌بخشد (Zali, 2016: 22). در این روندپژوهی، اصلی‌ترین مؤلفه‌ها و نیروهایی که جهت آینده را شکل می‌بخشند، «پیشران» نامیده می‌شوند. در این پژوهش شناسایی و تجزیه تحلیل این پیشران‌های موثر بر روند آتی افراط‌گرایی، در قالب مؤلفه‌های امکانی، امتناعی و تطبیقی صورت خواهد گرفت. یافته‌های این پژوهش در تحلیل روند می‌تواند برای پیش‌بینی، تحلیل گزینه‌های سیاسی، برنامه‌ریزی راهبردی و سناریونویسی استفاده گردد.

۴. الگوی مفهومی پژوهش

تأکید سازه‌انگاری بر قوام متقابل کارگزار/ساختار، باعث می‌شود تا ضمن تبیین تأثیراتی که ساختار بر کارگزار و بالعکس می‌گذارد، فهم دقیق‌تری از تحولات درونی هرکدام نیز به دست آید. چرا که ادراک، هویت و کنش گروه‌های سلفی-افراطی، ناشی از تطبیق یافتن هنجارهای درونی آنها با ساختارهای بیرونی است و با تغییرات ساختاری در بیرون باید انتظار داشت، میزانی از تحولاتی هویتی در سلفی افراطی‌ها رخ دهد. همان‌گونه که «ویل مک کانت» می‌گوید: «سلفی‌هایی که از خشونت استفاده می‌کنند از سلفی‌های غیر خشونت‌طلب جدا نیستند. آن‌ها اکثراً در مسجد یکسانی شرکت و از علمای یکسانی پیروی می‌کنند» (McCants, 2012). اما آنچه باعث تفاوت در هدف و نوع کنش‌گری آنها می‌شود، شرایط محیط پیرامونی و ادراک سلفی‌ها از آن است. در واقع «ممکن است یک سلفی موقعیت خود را مشابه دوران مکه ارزیابی نماید و لذا استدلال نماید که باید بر تبلیغ صلح‌آمیز متمرکز باشد. در حالی که احتمالاً سلفی دیگری شرایط را مانند دوره مدینه بعد از هجرت بداند که باید به اجرای حدود و جهاد پرداخت» (Wiktorowicz, 2006: 215-216). بر این مبنا در طول سه

دهه گذشته می‌توان متناظر با تحولات ساختاری، سه نسل از سلفی افراطی‌ها را از یکدیگر بازشناخت.

۱-۴. نسل اول سلفی-افراطی: جهاد تضامنی

در ساختار نظام دوقطبی «جنگ سرد» ظرفیت افراط‌گرایان سلفی که «علت اصلی وضعیت فلاکت‌بار مسلمانان را عمل نکردن به جهاد علیه کافران کمونیستی» می‌دانستند (Azzam, 2012:13)، در چارچوب رقابت‌های ژئوپلیتیک اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. پس از شکست شوروی، تلقی بین‌ذهانی «عرب-افغان‌ها» مبتنی بر «تجاوزگری طاغوت آمریکا با همکاری حاکمان فاسدی چون سعودی و مظلومیت جهان اسلام» (لازدی، ۱۴۳۲: ۳۷۰) باعث می‌گردید آن‌ها، تردیدی به خود راه ندهند که باید علیه «جاهلیت» به پا خیزند (Zeidan, 2001:31) در اینجا سازمان «القاعده» به مثابه ثمره پیوند: وهابیت جهادی از طریق «اسامه بن‌لادن»، اندیشه‌های دیوبندی از طریق مدارس اسلامی پاکستان و نهایتاً اندیشه‌های سید قطب از طریق «ایمن الظواهری» تأسیس گردید (Gerges, 2005:87). سپس «اسامه بن‌لادن» در فوریه ۱۹۹۸م «جبهه اسلامی جهانی علیه ائتلاف صلیبی-یهودی» را همراه فتوای: «کشتن آمریکاییان و متحدان آنها - چه شهروندان و چه نظامیان- را به عنوان واجبی عینی» (Bin Laden, 2004:74) اعلام و مسیر جهاد را بسوی آمریکا به عنوان «ائمه الکفر» معطوف کرد. لذا با رویکرد «مقابله به مثل» و «توازن فی‌الرعب»، عملیات ۱۱ سپتامبر را که بن‌لادن آن را به مثابه «نبرد مؤته، آغاز زوال آمریکا» می‌نامید صورت داد (Bin Laden, 2004:224).

۲-۴. نسل دوم سلفی افراطی: جهاد مکانی

مؤلفه‌های نظام بین‌الملل پس از ۱۱ سپتامبر به‌ویژه تحولات جنگ و پس‌از آن دولت‌سازی در عراق و افغانستان به شکل متفاوتی بر ادراک سلفی و الگوهای افراطی تأثیر نهاد. مداخلات آمریکا که با هدف یک دومینوی دموکراتیک در «خاورمیانه بزرگ» (Mojtahedzadeh, 2010) طراحی شده بود، منجر به پراکندگی جغرافیایی القاعده با توجه به فرصت‌های پیش‌آمده جهاد در عراق، یمن، سومالی، پاکستان، افغانستان و... گردید. مرکزیت سازمان نیز که بشدت ناتوان شده بود، گسترش شبکه‌های کوچک جهادی مستقل را تشویق می‌کرد (Al-Suri, 2010:49).

واقع مداخله‌گری هژمونیک آمریکا در دهه ابتدای قرن ۲۱م باعث گردید تعداد گروه‌های سلفی افراطی با شیئی یکنواخت از ۱۷ گروه به بیش از ۵۰ گروه افزایش یابد (Jones,2014). اما مهم‌تر از افزایش کمی، پراکندگی منطقه‌ای گروه‌ها و اهمیت یافتن جهاد مکانی برای آنان بود که منجر به تضعیف بیشتر سازمان مرکزی القاعده (نسل اول) و الگوی جهاد جهانی‌اش گردید. این تحولات منجر به آغاز دوره‌ای گردید که طی آن می‌توان نسل دوم گروه‌های سلفی-افراطی را مورد شناسایی قرار داد. مهم‌ترین شاخصه ادراک این نسل دوم، را در نظرات «ابومصعب الزرقاوی» رهبر «القاعده عراق» می‌توان یافت که نمایان‌گر کنش تکفیری و جهاد مکانی آنان با نزدیک‌ترین دشمنان بود. چه این که زرقاوی در سخنرانی‌های مشهوری با عنوان «هل اناک حدیث الرافضه»، اشغال عراق را در راستای «جنگ صلیبی» روایت نمود که طی آن همکاری منافقان داخلی (شیعیان) با دشمنان خارجی (صلیبیان) تکرار شده است (الزرقاوی، ۱۴۲۷: ۱۱) هم‌چنین نسل دوم برخلاف نسل اول القاعده صرفاً یک جنبش جهادی نبود، بلکه به دنبال ایجاد «امارت اسلامی» و اجرای حدود شرعی در مناطق تحت سلطه بودند (Malka and Lawrence,2015:20).

۳-۴. نسل سوم سلفی افراطی: احیای خلافت و جهاد فتح

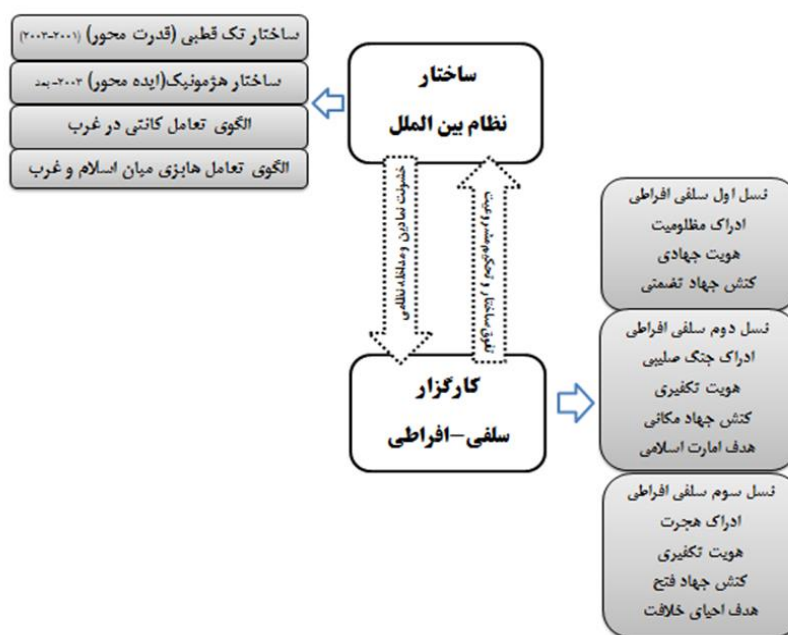
تداوم آشوب منطقه‌ای در غرب آسیا در شرایطی که ساختار نهادی نظام بین‌الملل نیز واجد مؤلفه‌هایی چون کاهش اقتدار نهاد دولت، ایجاد خلأهای امنیتی، تسهیل ارتباطات بین‌المللی تروریسم و گسترش ابزارهای رسانه‌ای بود، باعث گردید تا بستر لازم و شرایط مناسب برای کنش‌گری افراطی بیشتر فراهم گردد. به گونه‌ای که می‌توان ظهور «داعش» را نسل سوم سلفی افراطی به‌عنوان ابزار کنش سیاسی بازیگران بزرگ در قالب «جنگ‌های نیابتی» و «جنگ‌های نامتقارن» دانست. در تحلیل تاریخی تحول افراطی، برآمدن داعش یک تحول فکری و راهبردی نیز به شمار می‌رفت چه اینکه در «ابومحمد العدنانی» سخنگوی داعش اساساً القاعده را گمراه اعلام کرد: «رهبران القاعده از منہاج درست منحرف شده‌اند... القاعده از اشاره به جهاد و اعلام توحید امتناع می‌کند» (Malka and Lawrence,2015:27).

محور اصلی تعارض نیز به نظر داعش برای احیای خلافت باز می‌گشت که «از زمان آغاز جهاد در این قرن همواره احیای خلافت خواسته قلبی مجاهدین بوده است» (Dabiq1,2014:41). بنابراین برخلاف القاعده که بیشتر شکلی جنبش جهادی بوده و نیز برخلاف امارت‌های اسلامی پراکنده، اما داعش به دنبال سرزمینی در عراق و سوریه برای ایجاد دولت و ساختاری حکومتی مبتنی بر اراده خلیفه بود (Wood and Murrow,2015:4) (Friedman,2014) از این منظر شکل‌گیری خلافت شامل پنج گام است داعش آن را طی کرده است: «هجرت، جماعت، نفی طاغوت، تمکین، خلافت» (Dabiq1,2014:34-39). لذا «جهاد فتح» را باهدف گسترش مرزهای خلافت و انتشار دعوت به عنوان راهبرد پیگیری کرد (Ashraf Nazari and Al-Samiri,2014:95).

۴-۴. قوام متقابل ساختار و کارگزار: تشدید خشونت

هم‌چنان که ساختار توانست کارگزار را دچار تحول سازد، کنش‌های کارگزار نیز تأثیراتی بر ساختار داشته است. اقدام نسل اول سلفی افراطی در ۱۱ سپتامبر نه تنها باعث خروج آمریکا از جهان اسلام نگردید، بلکه فرصت و بهانه لازم برای مداخله‌گرایی فزاینده و نیز شرایط لازم را برای حرکت نظام بین‌الملل پسا جنگ سرد به سوی یک نظم تک‌قطبی یا سلسله‌مراتبی دستوری فراهم ساخت (Yazdan Fam,2008:775). در دو دهه بعدی نیز نظام بین‌الملل واجد تحولاتی از ناحیه کنش نسل دوم و سوم افراطی بوده است. چه اینکه بازنمایی و تشدید مکرر و ادواری تهدید افراط در یک روند طولانی‌مدت، باعث گردید تا فهم مشترکی از آسیب‌های پیش‌روی ثبات بین‌الملل ایجاد و یک نظم ایده محور مبتنی بر هنجارها، رویه‌ها، الگوها، قوانین و معیارهای مبارزه با تروریسم در راستای منافع آمریکا به‌عنوان بازیگر مسلط جهانی، تدوین، توجیه و پیاده‌سازی شود. لذا می‌توان گفت کنش افراط‌گرا به‌طور کلی منجر به اتخاذ راهبرد ائتلاف (الگوی لاکو در مجموعه امنیتی غرب) گردید که محصول تلاش آمریکا برای ایجاد و تثبیت قدرت هژمونیک اش در نظام بین‌الملل (ساختار مادی) بوده و البته به دلیل برخورداری آمریکا از منابع قدرت و تبدیل آن به قواعد، واجد ابعاد پررنگ هنجاری و ارزشی برای جنگ علیه تروریسم و تهدیدانگاری علیه اسلام (ساختار هنجاری) نیز می‌باشد. نتیجه همه این

تحولات تحکیم و مشروعیت بخشیدن به یک نظم هژمونیک در سطح بین‌الملل بوده است. متقابلاً تثبیت نظام بین‌الملل با توجه به مؤلفه‌های دشمن‌سازی از اسلام و تداوم مداخله‌گرایی در جهان اسلام به بهانه مبارزه با تروریسم، مجدداً منجر به تشدید افراط‌گرایی می‌شود. به‌گونه‌ای که افراط‌گرایی ویژگی هژمونیک نظام بین‌الملل را قوام بخشیده و متقابلاً ساختار نظام باعث هویت‌یابی و تشدید افراط‌گرایی می‌شود.



شکل (۱): الگوی مفهومی قوام بخشی متقابل کارگزار سلفی افراطی و ساختار نظام بین‌الملل

۴-۵. مؤلفه‌های امتناعی: جریان‌های سلفی-افراطی در وضعیت پساداعش

آزادسازی «موصل» در ژوئیه ۲۰۱۷ م و «رقه» پایتخت خود خوانده خلافت اسلامی داعش در اوت ۲۰۱۷ م به مثابه نمادی از فروکش موج افراط‌گرایی‌ای بود که در ابتدای دهه ۲۰۱۰ م با شکست دولت‌های ملی در جهان اسلام و نیز تروریسم در آمریکا و اروپا، خود را نشان داده بود. با فروپاشی خلافت داعش به مثابه نسل سوم سلفی افراطی، عملیات‌های تروریستی این گروه نیز به شکل زیادی محدود گردید. طبق آمار تعداد عملیات‌های تروریستی ناشی از

گروه‌های سلفی نسبت به اوج آن در سال ۲۰۱۴م، ۵۰ درصد کاهش یافته است (Statista, 2019) فضای گفتمانی داعش و متأثر از آن ساختار تشکیلاتی آن نیز دچار از هم‌پاشیدگی گردید. طرح مباحثی حول مسئله «تکفیر» باعث گردیده تا طیف «الحازمی» در داعش با تأکید بر قاعده؛ «من لم یکفر الکافر، فهو کافر» فراتر از تکفیر سایر گروه‌ها، مسیر دامنه‌داری از تکفیر درون تشکیلاتی را نیز دنبال کنند (الجنه المفوضه، ۱۴۳۸). علاوه بر داعش، تکفیرگرایی شدید در سایر گروه‌های سلفی نیز پیرامون مسائلی چون تکفیر جاهل، همکاری با طاغوت و ... به گونه‌ای شدت یافته که امکان وحدت را از آنان سلب و به‌عنوان مهم‌ترین عامل امتناعی نظری در توسعه سلفی‌گری افراطی است.

برای گروه‌های نسل دومی که در دهه‌های پیشین به مثابه امارات‌های اسلامی حول محور القاعده مرکزی بودند، نیز تشتت و شکست مهم‌ترین توصیفی است که در وضعیت کنونی آنان می‌توان ارائه شد. چه اینکه درگیری‌های نظامی بر سر حوزه نفوذ میان جریان‌های افراطی دیگر مؤلفه امتناعی در مقابل آنان در کوتاه‌مدت خواهد بود. «جبهه النصره» سوریه، پس از فک بیعت با رهبری القاعده، با عناوین مختلف ائتلاف‌های گوناگونی تشکیل داده و آنچه در نهایت به‌عنوان «هیات التحریر الشام» به وجود آمد، ضمن محدود و در محاصره بودن جغرافیایی آنان در ادلب سوریه، دچار نزاع گفتمانی میان دو طیف اخوانی و جهادی است که یکدیگر را متهم به «کنار گذاشتن شریعت»، «سبک شمردن مسئله تکفیر طاغوت» و «محدود کردن سرزمینی جهاد» متهم می‌کنند (السحاب، ۱۴۴۱). در افغانستان هرچند داعش در قالب شاخه خراسان در سال ۲۰۱۵م اعلام موجودیت کرد، اما با مبارزه‌جویی «طالبان» مواجه و دامنه کنش این گروه بسیار محدود گردید. طالبان نیز وارد فرآیند مذاکره با آمریکا شده تا به‌عنوان گروهی در ساختار رسمی و مشروع قدرت سیاسی مورد پذیرش قرار گیرد. «القاعده در مغرب اسلامی» نیز با کشته شدن «مختار بامختار» تضعیف شده است. داعش با عنوان «انصار الشریعه» و نیز «القاعده شبه جزیره» نیز در خلال جنگ داخلی یمن با تفوق «انصاراله» دچار هزیمت شده‌اند. در این شرایط سازمان مرکزی القاعده به رهبری «ایمن الظواهری» هرچند مبارزان جهادی در جهان اسلام را توصیه به «حرب العصابات» (جنگ چریکی) می‌کند، اما خود نیز ناتوان از

هرگونه کنش تحول‌آمیز عملیاتی و نیز پاسخ ایدئولوژیک به بحران‌های فکری سلفی در کوهستان‌های میان افغانستان و پاکستان گرفتار است (الظواهری، ۱۴۳۸) تلاش‌ها برای احیای جایگاه محوری القاعده در وحدت جریان سلفی افراطی با محوریت «حمزه بن لادن» با تأسیس گروه‌های جدیدی چون؛ «حراس الدین» و «انصار الفرقان» نیز تاکنون ناکام مانده است. علاوه بر بحران‌های فکری و تشکیلاتی، در افکار عمومی جهان اسلام نیز تجربه خلافت داعش و امارت اسلامی النصره و بوکوحرام و ... ارائه یک تجربه بد حکمرانی به واسطه ناکارآمدی در سازماندهی زندگی روزمره مردم و تحمیل جنایات زیادی به بهانه اجرای احکام شریعت بود که منجر موجب تخریب جایگاه اجتماعی جریانات سلفی افراطی شده است. بررسی شرایط بحرانی کنونی در گفتمان سلفی افراطی نیز گویای آن است که در روندهای حرکتی این جریان در کوتاه‌مدت عوامل امتناعی متعددی وجود دارند از جمله:

- تجربه ناموفق حکمرانی سلفی در عراق و سوریه و حتی ناکامی اخوان المسلمین در

مصر و تونس

- به هم ریختگی و تشتت تشکیلاتی در جریان سلفی افراطی جهان اسلام

- چالش‌های گفتمانی و کاهش توان ایده‌پردازی، معنابخشی و انگیزشی در برابر تحولات

- تغییر رویکرد بازیگران سیاسی در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل و تهدیدانگاری تروریسم

سلفی

اما هم‌چنان‌که در پرسش فرعی پژوهش ناظر به «مؤلفه‌های امکانی و امتناعی جهت فعالیت آتی سلفی افراطی‌ها» اشاره گردید، عوامل امکانی متعددی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند در روند آتی سلفی افراطی مؤثر و منجر به خیزش ادواری آنان گردد.

۴-۶. مؤلفه‌های امکانی در روند آتی سلفی-افراطی

۴-۶-۱. تداوم استبداد سیاسی (سطح داخلی)

وضعیت استبداد داخلی سکولار در کشورهای مسلمان، از جمله مهم‌ترین ریشه‌های بروز افراط‌گرایی بوده است. چه اینکه تشکیل دولت‌های ملی ضمن اینکه نتوانسته بود ادراک مبتنی بر تحقیر در جهان اسلام ناشی از دوران استعمار را از میان ببرد، بلکه اساساً خود در قالب

مدرنیزاسیون و به‌منزله یک فرآیند مستمر غربی منجر به استبداد و استعمار نوین گردید (Esposito, 2002:4). این وضعیت باعث تشدید گرایش به اسلام به‌عنوان راه‌حل گردیده که طی آن که فلسفه سیاسی نهادینه شده مبتنی بر «السمع و الطاعة» در برابر حاکم را مورد تردید قرار گرفته و بر ضرورت جهاد با طاغوت تأکید شد (لازیدی، ۱۴۳۲: ۳۷۰). آخرین موج اجتماعی علیه استبداد را می‌توان در انقلاب‌های عربی ۲۰۱۰-۲۰۱۱م مشاهده نمود که البته بازهم نظیر تجربه الجزایر ۱۹۹۲م با سرکوب مواجه گردید. این استبداد داخلی در سرکوب اسلام‌گرایان، مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که آنان را به سوی افراط‌گرایی می‌کشاند. به‌گونه‌ای که همبستگی میان استبداد حکومتی و گرایش به اسلام سیاسی و نهایتاً افراط‌گرایی را هم‌اکنون می‌توان به‌ویژه در کشورهای پساکمونیستی آسیای میانه مانند تاجیکستان و ازبکستان و در سطح بعدی مصر مشاهده نمود. تشدید استبداد سعودی که در سالهای اخیر منجر به بازداشت مبلغان سلفی جهادی نظیر «سلمان العوده» و «عوض القرنی» شده است، نیز زمینه‌های جدید برای بروز افراط‌گرایی جدید در این کشور خواهد بود.

۲-۶-۴. ناکامی الگوی اسلام سیاسی سنی و تشدید سکولاریسم (سطح داخلی)

جهان اسلام بویژه در بخش اهل سنت آن، فاقد یک گفتمان دینی یکپارچه و هویت بخش است. این وضعیت به‌ویژه پس از انقلاب‌های عربی و تجربه خلافت داعش تشدید شده است. چه اینکه پیش‌تر این گمان وجود داشت که گفتمان اخوانی در قالب «اسلام هو الحل» ظرفیت اجتماعی بالایی دارد، اما با ناکامی گفتمان اخوانی به‌عنوان الگوی اسلام سیاسی سنی در مصر و گرایش گروه‌های اخوانی در سوریه بسوی افراط‌گرایی، وجود یک چشم‌انداز هویتی مبتنی بر اندیشه دینی اجتهادی و پویا زیر سوال رفته است. متقابلاً با سیاست‌های رژیم سعودی در پیگیری سند چشم‌انداز ۲۰۳۰م آن و نیز معرفی الگوی اسلام لیبرال از سوی امارات به‌عنوان گفتمان‌های دینی جایگزین، سکولاریسم در جهان اسلام تشدید شده است. در این شرایط دوقطبی ایجاد شده میان سکولاریسم و افراط‌گرایی رو به تشدید خواهد گذاشت، چه اینکه سکولاریسم به‌مدد استبداد سیاسی داخلی و نفوذ فرهنگی غرب باعث بروز واکنش‌های تندی در جوامع اهل سنت خواهد گردید.

۳-۶-۴. وجود دولت‌های ورشکسته (سطح منطقه‌ای)

جریان سلفی افراطی برای اجرای فریضه جهادی خود، بیش از آنکه به شکل فعال اهداف خود را انتخاب نماید، به شکل منفعل تلاش می‌کند از ظرفیت آشوب سرزمینی استفاده نماید. همان‌گونه که «ابومصعب السوری» تأکید می‌کند «طرف ضعیف نمی‌تواند خالق راهبرد باشد. لذا بهتر است راهبرد متناسب با شرایط تغییر کند» (السوری، ۱۴۲۵: ۱۱۱۴). انتخاب جغرافیای عملیاتی به میزان زیادی اقتضایی است و به همین جهت گفته شده که؛ آشوب مغناطیس جهادی‌هاست. در واقع هرچقدر حاکمیت‌های استبدادی جهان اسلام منجر به تولید عناصر افراطی می‌شوند، اما تکثیر آنان در فرصت‌های جغرافیایی و بروز خلأ امنیتی صورت می‌گیرد، هم‌چنان که در مقطع انقلاب‌های عربی سوریه، مصر، یمن و ... به واسطه تضعیف حاکمیت مرکزی، مورد هدف افراط قرار گرفتند. افزایش دولت‌های فرومانده و سرزمین‌های بدون دولت که اصطلاحاً «بهشت امن» خوانده می‌شوند، مهم‌ترین ظرفیت برای تجمع دوباره گروه‌های سلفی است. چرا که امکان مادی لازم برای ایجاد، آموزش، تقویت نظامی، برنامه‌ریزی و عملیات را برای آنان فراهم می‌سازد (Sanderson et al, 2015: 39). هم‌اکنون با برقراری نسبی ثبات در منطقه غرب آسیا، مناطق جغرافیای نظیر ساحل غربی آفریقا، سومالی، مرز افغانستان و پاکستان، دره فرغانه در میان ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان، مهم‌ترین مناطقی هستند که به واسطه ضعف امنیتی حاکمیت، برای افراط‌گرایان واجد جذابیت است. البته درباره انتخاب جغرافیای جهادی، باید نقش جهت دهنده خواست هژمون را نیز در نظر گرفت. بر این اساس آسیای میانه، ضمن اینکه ظرفیت بومی سلفی افراطی بالایی دارد، جغرافیای مناسبی برای درگیرسازی ایران، روسیه و چین خواهد بود.

۴-۶-۴. دولت‌های فرقه‌ای، کارگزار حمایت از تروریسم (سطح منطقه‌ای)

در سطح تحلیل منطقه‌ای وجود دولت‌های متعدد فرقه‌گرا، مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که تاکنون منجر به ترویج تروریسم سلفی شده است. چه اینکه حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹م نقطه آغازین کمک‌های مالی عربستان سعودی متکی بر شبکه‌ای از حامیان مشهور به «زنجیره طلایی» با استفاده از سازمان‌هایی نظیر «مکتب الخدمات المجاهدین»، «سازمان اسلامی

امداد بین‌الملل» و «لیگ جهانی مسلمانان» (Moniquet, 2013: 13) و همراهی نظامی-اطلاعاتی پاکستان با تأسیس گروه‌هایی چون: «جهادالاسلامی»، «سازمان البدر»، «جماعت اسلامی»، «جماعت علمای اسلامی» و ... بود (Abuza, 2003). نهادهای رسمی تبلیغات در حکومت سعودی مانند «علمای الکبار» و «الرابطه الاسلامیه» و مؤسسات حدیثی مرتبط با آن‌ها در جهان اسلام با نگرشی تبلیغی برای ترویج وهابیت، مهم‌ترین عامل توسعه افراط بودند. به‌گونه‌ای که تخمین زده می‌شود که «عربستان سعودی برای ترویج وهابیت بیش از ۱۰ میلیارد دلار از فقط طریق سازمان‌های خیریه سرمایه‌گذاری انجام داده است» (Moniquet, 2013: 14). سعودی به‌عنوان مهم‌ترین کارگزار افراط از دوره اشغال عراق در جهت بهره‌گیری امنیتی-نظامی از عناصر نیابتی نیز برآمده (Cordesman, 2005) در بحران سوریه نیز ضمن آنکه، وجود دوره طولانی از ارائه آموزش‌های فرقه‌گرایانه، به طرز بی‌سابقه‌ای با همراهی قطر و ترکیه، عناصر سلفی را برای آنچه واعظین مشهور وهابی، «نه تلاشی برای دموکراسی، بلکه جهادی از طرف اهل تسنن علیه رژیم مشرک علوی و حکومت رافضی ایران» می‌خواندند (Moniquet, 2013: 22) وارد سوریه کرد. منطق رفتاری سعودی، در تمام مقاطع صادرات سلفی‌ها به خارج از این کشور است، تا ضمن عدم تهدید حاکمیت سعودی در داخل از آنها در قالب نیابتی علیه رقبای منطقه‌ای نیز استفاده شود. مشابه این رویکرد را قطر در راستای توسعه نفوذ منطقه‌ای خود و ترکیه در راستای احیای اقتدار دوره عثمانی، با حمایت از گروه‌های سلفی متأثر از اخوان المسلمین صورت می‌دهند.

۴-۶-۵. رقابت هویتی-گفتمانی (سطح منطقه‌ای)

نظم منطقه‌ای در غرب آسیا به‌ویژه در دوران جنگ سرد به شدت متأثر از نظام بین‌المللی بوده است. با محوریت یافتن نومحافظه‌کاران، آمریکا بر اساس راهبرد تفوق کوشید تا نظام تک‌قطبی منطقه‌ای که امور آن یکپارچه و یکدست در راستای منافع هژمونیک این کشور باشد، ایجاد نماید (Mojtahedzadeh, 2010). در مقابل این هژمونی طلبی، ایران با انتخاب رویکرد «نفوذ و مدیریت» بجای بی‌طرفی فعال در صحنه عراق، و سپس «مقاومت و پیروزی» در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ علیه حزب‌الله لبنان، حضور فعالانه خود در نظم منطقه‌ای را نشان داد

(Zeino-Mahmalat,2012:222). در این وضعیت آمریکای دوره اوباما بیش از قبل بر ضرورت بهره‌گیری از قابلیت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی عربستان و ترکیه برای کنترل قدرت منطقه‌ای ایران تأکید نمود که تحقق آن جز از طریق بحران‌سازی و تصاعد بحران در مقابله با حوزه نفوذ ایران به‌ویژه با به‌کارگیری بازیگران هویتی امکان‌پذیر نبود. در این فرآیند، گروه‌های هویتی سلفی نیز به‌عنوان ابزار کنش سیاسی بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ ایفای نقش می‌کنند که با نشانه‌های مربوط به «جنگ‌های نیابتی» و «جنگ‌های نامتقارن» پیوند یافته است. لذا در شرایطی که بایستی هویت را باید بخشی از معادله قدرت در رقابت‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی دانست، چهار گفتمان انقلاب اسلامی ایران، سلفی-آمریکایی سعودی و امارات، اسلام اخوانی قطری-ترکی و سلفی-افراطی به رقابت می‌پردازند. آنچه هم‌اکنون از سوی امارات و سعودی در قالب اسلام سکولار-صوفی ارائه می‌شود، به‌شدت در تقابل با اخوان المسلمین قرار دارد که خود را در صحنه عینی ژئوپلیتیک نظیر محاصره قطر و صحنه میدانی یمن، آشکار ساخته است. لذا معادلات هویتی هم‌چنان در میان‌مدت محور اصلی منازعات در جهان اسلام باقی خواهد ماند.

۶-۴. فشار ساختاری مادی (سطح بین‌الملل)

چنانچه در الگوی مفهومی نیز آمد، فشار ساختاری نظام بین‌الملل که در قالب اشغال سرزمینی آمریکا در جهان اسلام خود را نشان داده، مهم‌ترین عاملی بوده که ادراک جهادی را در سلفی‌های افراطی بر ساخته است.

این رویکرد البته ریشه در مؤلفه‌های هویتی آمریکا نیز دارد. هم‌چنان‌که بررسی اسناد راهبردی امنیت ملی و دفاع ملی ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد با ارجاع به آرمان آمریکایی، دشمن تروریسم افراط‌گرای اسلامی را به بهانه مبارزه با تروریسم، جایگزین تهدیدات کمونیسم در دوران جنگ سرد می‌کند (Kurth,2005)(Moshirzadeh and Salavati,2005:88-91).

بنابراین یک‌جانبه‌گرایی به‌عنوان ضرورت نظام بین‌الملل به همراه هویت آمریکایی، واجد خشونت فیزیکی کنشگرانه آشکار علیه جهان اسلام در قالب: جنگ، حمایت از سرکوب، حمایت از رژیم صهیونیستی، تحریم، نسل‌کشی و... بوده است. به‌گونه‌ای که طبق آمارهای

بین‌المللی تنها در جریان اشغال عراق «در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تاکنون بیش از یک میلیون و ۴۵۵ هزار عراقی کشته شده‌اند» (Just foreign policy, 2016). توجه به شرایط ساختاری نظام بین‌الملل، جهان اسلام هم‌چنان با تهدیدات قدرت هژمون در اشکال مختلف مواجه است که منجر به توسعه افراط در ۳ دسته از کشورها می‌شود: اول کشورهای استبدادی مورد حمایت آمریکا. دوم کشورهایی که با مداخله نظامی آمریکا دچار خلأ امنیتی و بی‌حاکمیتی می‌شوند. سوم کشورهای ضد آمریکایی که عناصر نیابتی افراط بسوی آنها جهت داده می‌شوند. بر همین اساس منافع راهبردی آمریکا در جهت‌دهی تروریسم به سوی ناامن‌سازی آسیای میانه، افزایش فشارها در موضوع فلسطین با معامله قرن، تجزیه‌طلبی در عراق و سوریه و ... از مواردی است که در آینده نیز فشارهای ساختاری در جهان اسلام را تداوم می‌بخشد.

۶-۴. انکارشدگی و فشار ساختاری هنجاری (سطح بین‌المللی)

ظهور نخستین نسل‌های سلفی افراطی نظیر القاعده و طالبان با خشونت‌طلبی فیزیکی غرب در جهان اسلام مرتبط است، اما نسل سوم سلفی افراطی داعش در عین اینکه محصول خشونت فیزیکی غرب است، اما حضور جوانان اروپایی در آن نشان‌دهنده تأثیرات فرهنگی تر سلطه غرب است. این موضوع یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر آینده افراط‌گرایی اسلامی است. در این راستا بحران هویت در جوامع مسلمان مهاجر به غرب، ریشه اصلی بروز افراط خوانده می‌شود. چه افراط‌گرایی نوین محصول «سرزمین‌زدایی از اسلام» است که با جوانی و احساس بی‌هویتی و تحقیری که در جوانان مسلمان ساکن غرب هست، کاملاً آن‌ها تناسب دارد (Roy, 2016). به همین دلیل گروه‌هایی که در وضعیت «بحران فرهنگی» و «ازخودبیگانگی» قرار می‌گیرند با افزایش حس محرومیت و عدم تعلق اجتماعی، به سمت اعتراض‌های خشونت‌بار یا عضویت در گروه‌های افراطی سوق می‌یابند. به‌ویژه اینکه سلفی‌گری با شعارهای مبارزه با کفر و ستمگری، احیای حکومت مبتنی بر شریعت اسلامی، برقراری عدالت اجتماعی و ... واجد معنابخشی به زندگی آنان است (Schmidt, 2014). سپس بروز بحران‌ها در جهان اسلام، می‌تواند فرصتی برای کنش و هویت جمعی ایجابی لازم برای جوانان سلفی شده اروپایی یا حتی در سایر کشورهای مسلمان ایجاد نماید (Burga, 2015:7). در ذیل این وضعیت ادراک

«هجرت» شکل گرفته و همین نیز عاملی برای تشدید پدیده «جهادگران خارجی» شده است که برای یک هویت روشن‌تر و حس تعلق احساس حضور در امت اسلامی بدون توجه به تقسیم نژادی، رنگ پوست و زبان، بازسازی خلافت به‌عنوان مظهر پیوستگی دین و دنیا به‌ویژه در جهان بی‌هویت و ... به سوی مناطق بحرانی جهان اسلام سرازیر می‌شوند (Weiss, 2016). لذا پیرو فراخوان داعش که: «اولویت نخست، هجرت از هرکجا که حضور دارید به سوی دولت اسلامی است... به سایه‌سار دولت اسلامی بشتابید... شما می‌توانید یک یاور مهم در راه آزادی مکه، مدینه و قدس باشید» (Dabiq, 2014:3). طبق مطالعات آماری، حدود ۱۵ هزار جنگجوی خارجی از حداقل ۹۰ کشور به عضویت گروه‌های مختلف سلفی در سوریه و عراق درآمدند که سقف ورود جنگجویان خارجی برای جهاد را نسبت به میزان قبلی در جنگ افغانستان شکست (Barret, 2014:23). لذا با تداوم فشارهای ساختاری در جوامع غربی علیه مسلمانان، خشونت اسلام هراسانه و تبعیض ساختارمند که هم‌اکنون به‌واسطه تجربه داعش، تشدید نیز شده است، اقبال به سلفی‌گری امکان بالاتری پیدا خواهد کرد.

۷-۴. افراط‌گرایی سلفی و کنش‌های تطبیقی آتی

چنانچه در بخش‌های پیشین آمد مؤلفه‌های امکانی و امتناعی متعددی بر روندهای آینده جریان سلفی افراطی در دوران پساداعش مؤثر هستند. در کنار این مؤلفه‌ها، برخی رویکردها از سوی جریان‌های سلفی افراطی در مواجهه با تحولات و شرایط سیاسی، امنیتی و اجتماعی جدید اتخاذ می‌گردد که می‌توان از آنها به مؤلفه‌های انطباقی یاد نمود که در کوتاه‌مدت بروز می‌یابند. این تطبیق‌پذیری به نحو وثیقی با ادراک سلفی افراطی‌ها از وضعیت محیطی مرتبط است. چه اینکه اساساً عنصر معنایی و آموزه‌های گروه‌های سلفی افراطی تقریباً یکسان و همانند است، اما آنچه تفاوت در هدف‌گذاری، نوع کنش‌گری و استراتژی‌های دستیابی به هدف را مشخص می‌کند، شرایط ساختاری محیط پیرامونی و ادراک سلفی‌ها از آن است. درواقع «ممکن است یک سلفی موقعیت کنونی را مشابه دوران اقلیت مسلمانان در شهر مکه که هنوز جامعه در دست جاهلیت بود، ارزیابی نماید و لذا بر این اساس استدلال نماید که فعالیت مسلمان باید بر تبلیغ صلح‌آمیز متمرکز باشد. درحالی‌که احتمالاً عالم سلفی دیگری

شرایط کنونی را مانند دوره مدینه بعد از هجرت بدانند که باید دولت اسلامی را بنا نهاده و به اجرای حدود و جهاد پرداخت» (Wiktorowicz, 2006: 215-216).

۱-۷-۴. دعوت‌گری اجتماعی

با آشکار شدن ناکارآمدی الگوی جهادی برخی سلفی افراطی‌ها، خشونت را ابزار ثانویه برای پیشبرد اهدافشان قلمداد کرده و استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی و تبلیغی و جذب نیرو را در اولویت قرار دادند. نظریه‌پرداز مهم در تغییر الگوهای جهادی به کنش دعوت، «ابومحمد المقدیسی» است که خود از چهره‌های فکری و فقهی القاعده به شمار می‌رفت. او به‌ویژه پس از تجارب انقلاب‌های عربی و ظهور داعش، از فعالیت‌های خیریه و خدمات اجتماعی حمایت می‌کند و همچنین فعالیت‌های خشونت‌آمیز کوتاه‌مدت که ممکن است ناکام بماند را مناسب نمی‌داند، چرا که نتیجه عکس دارد (Zelin, 2012).

لذا معتقد است که برداشت سلفی از جهاد مبتنی بر «کینه» بوده درحالی‌که جهاد می‌بایست «قدرت‌بخش به مؤمنان» باشد (Malik et al, 2015). بر همین اساس گروه‌های سلفی مانند «انصار الشریعه» و «جبهه‌الاصلاح» در تونس، «البناء و الترمیم» و «حزب النور» مصر و ... ضمن مردود دانستن استفاده از خشونت و تأکید بر ترویج اسلام ناب با ایجاد بیمارستان‌های، مراکز خیریه، ایجاد زیرساخت‌های عمومی و حتی جمع‌آوری زباله‌ها، پیشنهادهای «ابومحمد المقدیسی» را عملی می‌کنند. هم‌چنان که «ناصر الوحیسی» رهبر پیشین القاعده یمن خطاب به پیروانش می‌گفت: «تلاش کنید از طریق تأمین تسهیلات زندگی و تأمین نیازهای روزمره آن‌ها نظیر غذا، برق و آب بر آن‌ها مسلط شوید» (Jones, 2014: 19)، در آینده گروه‌های سلفی افراطی وارد قوس نزولی فعالیت‌های خشونت‌آمیز خود شده و از ظرفیت بالای خود در پنهان شدن در جوامع سنتی نهایت استفاده را خواهند برد. تأکید بر دعوت و بی‌پیرایه نشان دادن آموزه‌های دینی، هم‌چنان مهم‌ترین ظرفیت آنان در کنش‌گری خواهد بود، به‌ویژه آنکه دسترسی بالایی به منابع مالی در خلیج فارس نیز دارند.

۲-۷-۴. حرب الاستنزاف و راهبرد گرگ تنها

ناکامی راهبرد جهاد فتح از سوی داعش، باعث شده است تا به عنوان یک مؤلفه تطبیقی با شرایط جدید، دو راهبرد تروریستی جدید در دستور کار قرار گیرد. راهبرد نخست که مشهور به «گرگ تنها» است، بر اساس ساختار تشکیلاتی جدید و با توجه به اشراف اطلاعاتی رقبا تدوین شده است. این مسئله باعث سرعت بخشیدن به حملات، مخفی بودن این حملات، استفاده از لایه‌های مجازی ارتباطات اینترنتی، عضوایی و عملیات‌های اینترنتی می‌شود که توانایی سازمان‌های امنیتی را در مقابله با این گروه‌ها به شدت کاهش می‌دهد. در راهبرد گرگ تنها، شهروندان سرخورده از جامعه، و آسیب دیدگان از تبعیض و تحقیر، می‌توانند به عنوان نیروی سرخود، بدون فرماندهی متمرکز، دست به اقدامات تروریستی بزنند. هم‌چنان که «ابومحمد العدنانی» سخنگوی داعش، از مسلمانان در جوامع غربی می‌خواست تا «کافر» را یافته و «مغزش را در سنگ‌فرش خیابان بریزند»: «منتظر توصیه یا فتوی هیچ‌کسی نباشید. بی‌ایمان‌ها را چه غیرنظامی و چه نظامی بکشید، زیرا حکم آن‌ها یکی است. هردوی آن‌ها بی‌ایمان هستند» (Al-Adnani, 2014). دیگر راهبرد تروریستی که بیشتر برای تداوم تروریسم در کشورهای اسلامی طرح شده «حرب الاستنزاف» است نامی که «ابوبکر بغدادی» در آخرین فیلمش که از سوی مؤسسه الفرقان منتشر شد، روی آن تأکید کرد. در حرب الاستنزاف بقایای داعش تلاش می‌کنند بیشترین خسارت را از طریق؛ ترور، کمین، سوزاندن مزارع، خراب کردن خانه‌ها و ... به دشمن خود وارد کنند. بنابراین در یک روند تطبیقی، هم‌چنان سازمان مرکزی القاعده نمی‌توانست در برابر فشارهای آمریکا مقاومت نماید و لذا به سوی تمرکززدایی جغرافیایی و ایجاد الگوهای محلی جهاد در قالب امارت‌های اسلامی حرکت کرد (Jones, 2014:13)، در دوران پساخلافت داعش این تمرکززدایی به شکلی افقی و البته در گستره بیشتری با محوریت افراد یا هسته‌های کوچک اتفاق خواهد افتاد. بنابراین تهدید تروریسم سلفی تکفیری، به شکلی کاملاً عینی و در تمامی کشورها حتی با اشراف امنیتی بالا قابلیت تحقق خواهد داشت.

۳-۷-۴. سرریز شدن به سوی دولت‌های فرومانده

دیگر مؤلفه تطبیقی در روند حرکتی جریان سلفی افراطی، به جهت‌دهی سرزمینی عنصر افراط‌گرا توسط قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باز می‌گردد. چه اینکه داعش، النصره و سایر گروه‌های تروریستی هرچند ظرفیت‌های اجتماعی محدودی در عراق و سوریه دارند، ولیکن اشراف امنیتی دولت‌ها به‌ویژه جبهه مقاومت جغرافیای مناسبی برای فعالیت آنان نمی‌گشاید. این «بازیگران فارغ از حاکمیت» به‌مثابه گروه‌های گریز از مرکز و نیروهای بحران‌ساز ناشی از تضادهای هویتی به دنبال بروز سیاسی و اجتماعی هستند، اما نکته مهم این است که ظرفیت فوق؛ به‌واسطه متغیرهای بین‌المللی (خواست هژمون) و متغیرهای منطقه‌ای (دولت‌های فرقه‌ای و رقابت‌های هویتی)، به شکلی اجباری جهت داده می‌شوند. به‌ویژه بازگشت‌ناپذیری عناصر افراط‌گرا با کشورهای مبدأشان (سعودی، مصر، کشورهای اروپایی و ...) برای آنان وضعیتی کاملاً اجباری ایجاد و کنش‌گری آنان را محدود به خواست قدرت‌ها می‌کند. بنابراین در تطبیق با شرایط باید انتظار داشت جریان سلفی-افراطی به‌سوی کشورهای با دولت‌های فرومانده و یا اصطلاحاً ورشکسته سرازیر شود. در همین راستا بسیاری از کشورهای منطقه آسیای میانه، آفریقا (نیجریه، نیجر و چاد) و قفقاز هم‌چون؛ افغانستان، قفقاز، داغستان روسیه، سین کیانگ چین، لیبی، آفریقای غربی و بلوچستان پاکستان از نقاطی هستند که آسیب‌پذیری بالایی دارند. بر همین اساس گزارش‌های متعددی درباره انتقال عناصر داعش به افغانستان توسط آمریکا برای تغییر معادلات با روسیه و چین و نیز انتقال مبارزان النصره به لیبی توسط ترکیه برای مقابله محور اخوانی با کشورهای عربی وجود دارد.

۵. نتیجه‌گیری

هویت افراط‌گرایی سلفی، در رویکردی سازه‌انگارانه محصول تکوین متقابل معانی درونی سلفی‌گری و ساختارهای مادی و هنجاری در نظام بین‌الملل است. در واقع خشونت و تروریسم، محصول یک‌سویه و قطعی آموزه‌های سلفی نیست، بلکه این آموزه‌ها آنگاه تبدیل به خشونت می‌گردند که فشارهای محیطی و ساختاری بر فرد وارد شود. بر این اساس باید گفت

فشار ساختاری نظام بین‌الملل در قالب کنش اشغالگری نظامی و کنش همگون‌ساز فرهنگی باعث گردیده تا اسلام‌گرایان سلفی به سوی کنش جهادی و سپس تکفیری حرکت کنند. این وضعیت در طی یک روند تاریخی شکل گرفته است و در شکل‌گیری این تعارض، افراط‌گرایان در خلأ رشد نیافته‌اند بلکه در تعامل با غرب به این شکل قوام یافته‌اند. بر این اساس می‌توان مجدداً بر الگوی مفهومی این پژوهش تأکید کرد که؛ نظام بین‌الملل پس‌اجنگ سرد و افراط‌گرایی سلفی در یک رابطه سازا و قوام‌بخشی متقابل با یکدیگر قرار دارند، به‌گونه‌ای که افراط‌گرایی ویژگی هژمونیک نظام بین‌الملل را قوام بخشیده و متقابلاً ساختار نظام باعث هویت‌یابی و تشدید افراط‌گرایی می‌شود. این رابطه متقابل باعث ایجاد یک دور خشونت‌آمیز میان افراط‌گرایی و نظام بین‌الملل شده است و این دو مرتباً یکدیگر را بازتولید می‌کنند. بر مبنای این تحلیل، می‌توان هدف پژوهش یعنی روندپژوهی مؤلفه‌های امکانی، امتناعی و تطبیقی جریان سلفی افراطی در آینده را مورد بحث قرار داد. چه اینکه جریان سلفی افراطی در دوران پس‌اداعش، در کوتاه‌مدت وارد وضعیت رکود و گذار می‌شوند، اما به جهت تداوم ریشه‌های ساختاری بروز ادواری افراط‌گرایی در جهان اسلام این انتظار وجود دارد تا مجدداً این تهدیدات تکرار شوند. در این پژوهش تلاش گردید برای رسیدن به هدف پس از تبیین نظری و الگوی مفهومی، شرحی از وضعیت کنونی جریان سلفی افراطی در جهان اسلام با مناقشات فکری و تشکیلاتی آنها ارائه شود که همین وضعیت نیز مهم‌ترین عامل امتناعی در قدرت‌یابی مجدد آنان است. سپس به مؤلفه‌های امکانی در بروز تهدید تکفیر در آینده جهان اسلام در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته شد. مؤلفه‌هایی ساختاری که ظهور مجدد تهدید سلفی تکفیری را در آینده پیش‌بینی می‌کند. در انتها نیز راهبردهای تطبیقی جریان افراطی در مواجهه با شکست‌های پیشین و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود، پرداخته شد. در انتها می‌توان جمع‌بندی اصلی پژوهش را این‌گونه ارائه نمود که «قوام متقابل ساختار نظام بین‌الملل و افراط‌گرایی سلفی با تشدید خشونت‌های دوجانبه نقطه محوری در روند چهار دهه افراط‌گرایی سلفی در جهان اسلام بوده است و بر همین اساس می‌توان مؤلفه‌های امکانی متعددی را در سه سطح داخلی (نظیر استبداد سیاسی، دغدغه‌های هویتی)، منطقه‌ای (نظیر وجود

۱۲۶ فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹ _____

دولت‌های فرقه‌گرا، رقابت هویتی، عدم موازنه قدرت، خلاءهای امنیتی و ... و بین‌المللی (ساختار هژمونیک، فشارهای یکسان‌سازی فرهنگی، ایجاد امت مجازی و ...) برای روند تداوم افراط‌گرایی در چشم‌انداز آتی مدنظر داشت. البته افراط‌گرایی سلفی با مؤلفه‌هایی چون تغییر در جغرافیای عملیات، تحول کنش تروریستی، بازتعریف دعوت سلفی و ... به انطباق‌پذیری با تحولات نوین دست خواهد زد.

References

1. Abuza, Zachary (2003). Funding Terrorism in Southeast Asia: The Financial Network of Al Qaeda and Jemaah Islamiyah, NBR Analysis, vol 14, no 5.
2. Al-Adnani, Abu Muhammad (2014). Indeed Your Lord is Ever Watchful, pietervanostaeyen wordpress, September 22.
3. Al-Suri, Abu Mus'ab (2010). The Jihadi Experiences: The Schools of Jihad, Inspire, No. 1, Summer 1431.
4. Ashraf Nazari, Ali; Al-Samiri, Abdolazim (2014). Re-reading the identity of the Islamic State in Iraq and the Levant (ISIL): Understanding the intellectual and political-social contexts, Quarterly Journal of Political Science, No. 68, pp. 75-108.[In Persian]
5. Azzam, Abdullah (2012a). Defense of Muslim Lands: The First Obligation After Iman, Published on Apr 20, 2012, Available in: <http://www.Slideshare.net/baadshahm/defence-of-the-muslim-lands>
6. Bakhshi Sheikh Ahmad, Mehdi (2006). A Study of the Ideological and Objective Factors of Al-Qaeda Formation, Master Thesis, Allameh Tabatabaibai University.[In Persian]
7. Barrett, Richard (2014).The Islamic State, The Soufan Group, New York :November 2014
8. Bin Laden (2004). Compilation of Usama Bin Ladin Statements 1994 - 2004, FBIS Report - January 2004
9. Brooks, Stephen; Wohlforth, William (2001). Power, Globalization and the End of the Cold War: Reevaluating a Landmark Case for Ideas, International Security, Vol. 25, No. 3, pp 5-53.
10. Burga, François (2015). The Attraction of the Islamic State of ISIS: An Interview with Francis François Burga. World Dialogue Quarterly, Year 5, Issue 4.[In Persian]
11. Cordesman, Anthony (2005). Saudi militants in Iraq: Assesment and Kingdoms Response, CSIS, 2005. september 19.
12. Dabiq (2014). The Flood, Al Hayat Media Center.
13. Esposito, John L (2014). ISIS, Radicalization, and the Politics of Violence and Alienation, The Center for the Study of Islam & Democracy (CSID), Sep 3, 2014
14. Friedman, George (2014). The Islamic State Reshapes the Middle East, Geopolitical Weekly, November 25.
15. Gerges, Fawaz (2005). The Far Enemy: Why Jihad Went Global, Cambridge: Cambridge University Press.
16. Griffiths, Martin (2009). Encyclopedia of International Relations and World Politics, translated by Alireza Tayeb, Tehran: Ney Publishing.[In Persian]
17. Hadian, Nasser (2003). Structuralism from International Relations to Foreign Policy, Foreign Policy Quarterly, Volume 17, Number 3.[In Persian]

18. Haykel, Bernard (2009). On the Nature of Salafi Thought and Action, in *Global Salafism: Islam's New Religious Movement*, pp 33-57, ed. Roel Meijer, London: Hurst.
19. Jamshidi, Mohammad (2007). Monopoly-based international systems: unipolar, hegemony, empire, *Strategic Studies Quarterly*, No. 38, pp. 785-806. **[In Persian]**
20. Jones, Seth G. A (2014). *Persistent Threat The Evolution of al Qa'ida and Other Salafi Jihadists*, RAND Corporation, National Defense Research Institute.
21. Just foreign policy (2016). *Iraq Deaths, Just foreign policy*, available at: <http://www.justforeignpolicy.org/iraq>
22. Kasaei, Roghayeh; Talaei, Reza (2014). A Study on Future Studies in NAJA Borderlands and Presenting a Concept Model, *Journal of Border Studies*, Second Year, No. 2, pp. 121-157. **[In Persian]**
23. Kurth, James (2005). *Global Threats and American Strategies, From Communism in 1955 to Islamism in 2005*, Foreign Policy Research Institute, Orbis, Vol 46, Iss 3, pp 631-648.
24. Linklater, Andrew (2007). *Neo-realism, critical theory, and the school of construction*. Translation: Alireza Tayeb, Tehran, Office of Political Studies, Ministry of Foreign Affairs. **[In Persian]**
25. Lupovici, Amir (2009). *Constructivism Methods: a Plea and Manifesto*, Review of International Studies, Vol 35, No 1, pp 195-218.
26. Malik, Shiv; Khalili, Mustafa; Spencer Ackerman; Younis, Ali (2015). *How Isis crippled al-Qaida*, *Guardian*, 10 June 2015, Available in: <https://www.theguardian.com/world/2015/jun/10/how-isis-crippled-al-qaida>
27. Malka, Haim; Lawrence, William (2015). *Jihadi-Salafi Rebellion and the Crisis of Authority*, in: *Religious Radicalism after the Arab Uprisings*, Editor: Jon B. Alterman, Washington: Rowman & Littlefield, pp 9-35.
28. McCants, Will (2012). *A New Salafi Politics*, *Foreign Policy*, October 12, Available at: http://mideast.foreignpolicy.com/posts/2012/10/12/a_new_salafi_politics.
29. Mirahmadi, Mansour (2010). *Islamic Discourse and Global Discourse*, Collection of Articles on Islam and International Relations, by Hossein Poorahmadi, Tehran: Imam Sadegh (AS) University, pp. 199-252. **[In Persian]**
30. Mojtahedzadeh, Pirooz (2010). *Geopolitics of the New World System*. Mehrnameh Monthly, No. 6. **[In Persian]**
31. Moniquet, Claude (2013). *The Involvement of Salafism/wahhabism in the support and supply of arms to rebel groups*, Policy Department DG External Policies, 11 June 2013.

32. Moshirzadeh, Homeira; Salavati, Fatemeh (2005). The Islamic World / Another Fundamentalist and the Myth of the American Ideal in American Foreign Policy, *Foreign Relations*, No. 17, pp. 73-104. **[In Persian]**
33. Mottaghi, Ebrahim (2013). Evolution of Power Balance Approach in Regional Orders: Identity versus Structuralism, *Strategy Quarterly*, No. 67, PP. 165-192. **[In Persian]**
34. Roy, Olivier (2016). France's Oedipal Islamist Complex, foreign policy, January 7, 2016.
35. Sanderson, Thomas M; Barber, Michael; Russakis, Joshua (2015). Key Elements of the Counterterrorism Challenge, in: *Religious Radicalism after the Arab Uprisings*, Editor: Jon B. Alterman, Washington: Rowman & Littlefield, PP. 37-92
36. Schmidt, Michael (2014). SIS uses Andre Paulin, a Convert to Islam, in Recruitment Video, *New York Times*.
37. Statista (2019). Number of terrorist attacks worldwide between 2006 and 2018, Available at: <https://www.statista.com/statistics/202864/number-of-terrorist-attacks-worldwide/>
38. Weiss, Michael (2016). Inside the Head of an ISIS True Believer", the daily beast, August 29, 2016, Available at: <http://www.thedailybeast.com/articles/2016/08/29/inside-the-head-of-an-isis-true-believer.html>
39. Wiener, Antje (2003). Constructivism: The Limits of Bridging Gaps, *Journal of International Relations and Development*, Vol 6, No 3, PP. 243-276.
40. Wiktorowicz, Quintan (2006). Anatomy of the Salafi Movement, *Journal Studies in Conflict & Terrorism*, Vol 29, Issue 3, pp 207-239.
41. Wood, Graeme; Murrow, Edward (2015). What ISIS Really Wants? *Atlantic*, March Issue.
42. Yazdan Fam, Mahmoud (2008). International Rules and Norms: Origin, Transformation and Influence, *Quarterly Journal of Strategic Studies*, Eleventh Year, Serial No. 42, pp. 757-778. **[In Persian]**
43. Zali, Salman (2016). An Introduction to Trends in Execution, *Futurology Monthly*, No. 26, PP. 22-24. **[In Persian]**
44. Zeidan, David (2001). The Islamic Fundamentalists View of Life as a Perennial Battle, *Middle East Review of International Affairs*, No. 4, PP 26-53.
45. Zeino-Mahmalat, Ellinor (2012). Saudi Arabia's and Iran's Iraq Policies in the Post-Gulf War Era, Thesis for the degree of Doctor of Philosophy, University of Hamburg
46. Zelin, Aaron Y. (2014). Sunni Foreign Fighters in Syria: Background, Facilitating Factors, and Select Responses, *The Partnership for Peace Consortium*, PfPC Background Paper No. 1.

۱۳۰ فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

۴۷. الزرقاوی، ابو مصعب (۱۴۲۷). سلسلهٔ مُحاضرات هل أُنَاك حَدِيثُ الرَّأْفَةِ، قابل دسترسی در:
https://archive.org/details/abumusab_doc_all [In Arabic]

۴۸. السوری، ابو مصعب (۱۴۲۵). دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، قابل دسترسی در: [In Arabic]
<https://archive.org/details/Dawaaah>

۴۹. لازدی، ابی جندل (۱۴۳۲). اسامه بن لادن مجدد الزمان و قاهر الامریکان، منبر التوحید والجهاد
[In Arabic]

۵۰. اللجنة المفوضه (۱۴۳۸). تعمیم ذی الرقم ع خ/۷۵۲، «الدوله الاسلامیه، اللجنة المفوضه» [In Arabic]
۵۱. السحاب (۱۴۴۱). «تنظیم القاعدة یعلق علی اشتباكات تحریر الشام و حراس الدین» مؤسسه عنب بلدی
[In Arabic]

۵۲. الظواهری، ایمن (۱۴۳۸). الظواهری یدعو المعارضة السورية إلى حرب العصابات، الجزيرة ۴/۲۴
[In Arabic] ۲۰۱۷